

ایام سال نو و سفره های خالی کارگران

شریف ساعد پناه

سه شنبه ۲۰ اسفند ۱۳۸۷

این روزها بسیاری از اقشار مردم سرگرم خریدهای نوروزی هستند و خود را برای سال نو آماده میکنند. ولی از آنجا که خوشبختانه نو شدن طبیعت طبقاتی نیست همه انسانها بطور طبیعی به استقبال سال نو میروند. در این ارتباط تا آنجا که به طبقه کارگر بر میگردد داشتن ایامی شاد و فرح بخش را نیز در سال نو که فقط چند روزی از ۳۶۰ روز را شامل میشود از آنان سلب کرده اند.

پایان اسفند ماه روزهای اوج استرس و نگرانی کارگران است چرا که افزایش دستمزدها در جریان است. در این ماه در شورای عالی کارنیروی کار ما به حراج گذاشته می شود. در این حراج بدون چانه زدن خریدار یعنی سرمایه دار معامله را تمام و بدون فروشنده و یا نماینده واقعی او همه چیز را به پایان میرسانند.

علاوه بر مسئله افزایش دستمزدها یکی دیگر از دغدغه های کارگران که تمام چشم امید کارگر در پایان هر سال به آن دوخته میشود عیدی آخر سال است که باعث نگرانی کارگر میشود و او را در دلهره فرو میبرد که نکند پرداخت عیدی به تعویق بیفتد. چرا که غالباً هر ساله به بهانه ها و عناوین مختلف از قبیل عدم نقدینگی و... پرداخت عیدی را به سه ماهه اول سال جدید موکول میکنند و همین امر باعث میشود با توجه به گرانی های بعد از عید، ارزش پول عیدی کارگران تا ۵۰ درصد تنزل پیدا کند.

تازه با توجه به دستمزدهای زیر خط فقر و نداری همیشگی کارگران این عیدی اگر بموقع هم پرداخت شود آنوقت فشارهای روانی و چانه زدن با خانواده شروع میشود. چون مبلغ عیدی چیزی بیش از ۳۰ درصد نیازهای یک خانواده چهار نفره کارگری را در ایام پر خرج سال نو کفاف نمیدهد و کارگر ناچار است همسر و فرزندان خود را در خیابان از مسیرهایی عبور دهد که حتی الامکان چشم آنها به چیزی که نیاز دارند، نیافتد و یا طوری سر فرزند خردسال خود را گرم کند که حواسش در خیابان به اسباب بازی فروشی و... جلب نشود.

اخراج کارگران در روزهای پایانی هر سال که امروزه به یک عرف جا افتاده در میان کارفرمایان تبدیل شده است آن هیولائی است که از اواخر بهمن ماه بر زندگی کارگر سایه میاندازد و اضطراب ناشی از حفظ یا عدم حفظ شغل تا زمانی که غول بیکاری زندگی را به یکباره به جهنمی بر کارگر تبدیل کند جز دائمی زندگی روزهای پایانی سال کارگران روز مزد و قرارداد موقت است.

عدم دریافت دستمزدهای معوقه و استرس ناشی از برزخ دریافت یا عدم دریافت دستمزد، یکی دیگر از فشارهای شدید روحی و روانی بر کارگر است که در روزها و هفته های پایانی سال به اوج خود میرسد چرا که در این ایام صاحبخانه ها و سایر طلبکاران از بقال سر کوچه تا دوست و آشنایی که کارگر از وی قرضی گرفته است بدلیل پایان سال در پی وصول طلب خود هستند.

اینها و دهها درد و رنج دیگر علاوه بر فلاکتهای دائمی کارگران در تمامی ماههای سال، جزو تفکیک ناپذیر زندگی هر کارگری در اسفند ماه و هفته ها و روزهای نزدیک به سال نو است.

اما اسفند ماه امسال به لحاظ بدبختی و فلاکت کارگران و رنج و آلامی که به گوشه هایی از آنها اشاره کردم واقعا سال متفاوتی است.

به عنوان مثال درشهری مانند سنندج که تعداد کارخانه های آن به اندازه انگشتان دست نیست و سال قبل کارگران نساجی کردستان، فرش غرب بافت، پرریس و فرش نفیس درچنین ایامی برسرکارهای خود بودند و چشم امید به دریافت حداقلی برای گذران زندگی درروزهای آغازین سال داشتند امسال ازاین حداقل ها نیزبه دلیل تعطیلی این کارخانه ها و اخراج و بلاتکلیفی محروم هستند و درشرایط بسیارمصیبت باری که از تصور انسان خارج است، بسر میبرند.

گذشته از سنندج در سایر نقاط کشور نیز اوضاع به همین شکل است. به عنوان مثال هم اکنون کارگران نساجی خامنه، کیان تایر، صنایع فلزی شماره ۱ و ۲، کارخانه نوشاب، لوله سازی اهواز، آردل و صدها کارخانه دیگر در تهران و کرمانشاه و جنوب و شمال و شهرهای صنعتی قزوین و ساوه و... ماهها است دستمزدی دریافت نکرده اند و هیچ امیدی نیز برای پرداخت دستمزدهای این کارگران در پایان سال وجود ندارد.

به جرات میتوان گفت اغلب این کارخانه ها در سالهای گذشته در چنین ایامی روزگار امروز را نداشتند و یا حداقل وضعیت شان کمی بهتر از امسال بود و کارگران این مراکز که در چنین روزهایی در سالهای گذشته چندرغازی را برای خرید سال نو بر کف دست هایشان می گذاشتند امسال از آن چندرغاز نیز محرومند و هیچ مسئولی در این مملکت به فکر نیست.

گذشته از ابعاد غیر قابل تصور عدم پرداخت دستمزدها، گرانی و تورم و افزایش لشکر بیکاران تیر دیگری است که امسال بمراتب بدتر از سالهای پیش بر قلب زندگی کارگران شلیک شده است و میلیونها خانواده کارگری در غم و اندوه گذران ایام سال نو فرو رفته اند. چرا که یک کارگر چه بسا که در سایر روزهای سال یک جوری همسر و فرزندش را برای خریدن چیزی قانع کند، اما عید با توجه به سنت نو پوشیدن و پذیرائی گونه دیگری است و میلیونها کارگر در روزهای پایانی امسال بدتر و دردآورتر از هر سالی شرمنده همسر و فرزندان خود هستند و خانواده هایشان درآتش حرص و آسرمایه که وضعیت حاضررا ببار آورده است در حال تباهی و نابودی می باشند. میگویند بحران اقتصادی است، آیا ما کارگران مسبب این بحران هستیم. مگر نه این است که میلیاردها ثروت موجود در جامعه حاصل دسترنج ما کارگران است و این ثروتها بر سر جای خود هستند و ریالی نیز دود نشده و به هوا نرفته و یا زمین که آنها را نبلعیده است.

پس چرا ما کارگران و خانواده هایمان در سال نو و ایام آغازین آن، باید از حاصل دسترنج خود محروم باشیم و به بهانه بحران اقتصادی گرسنگی و نداری یگانه سهم ما از سالها رنج و زحمت باشد.

حاصل دسترنج ما را میلیونها و میلیاردها تومان میخورند و ذخیره میکنند و آنوقت ما کارگران پس از یکسال کار و زحمت باید حتی از چند روز انگشت شمار در سال برای برخورداری از بر آورده کردن حداقل نیازهای خانواده هایمان و استراحت و تفریح محروم باشیم.

کارگران و هم‌زنجیران

این زندگی قابل تحمل نیست و باید به آن خاتمه داده شود. باید برای همیشه به مسئله عدم پرداخت دستمزدها و زیر خط فقر بودن این دستمزدها پایان دهیم. هیچکس اینکار را برای ما نمیکند، نباید چشم انتظار به جایی داشت. باید متحد شد، باید متشکل شد، باید خواست و برای تحقق اش دست به دست هم داد. ما میلیونها نفر هستیم و اگر اراده کنیم کسی را یارای مقاومت در برابر خواستهای ما نیست. داشتن یک زندگی انسانی و ایامی شاد و فرح بخش در کنار خانواده هایمان حق مسلم ماست و باید برای تحقق آنها آستین ها را بالا زد و متحد و یکپارچه شد.

زنده باد همبستگی کارگری

شریف ساعد پناه

۸۷/۱۲/۱۵

(نماینده کارگران پرریس و عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران)